



١٩٢٧

۸۷/۱/۱۰۷۷۳۶
۸۸/۱/۲۴



دانشکده علوم اجتماعی

گروه اقتصاد

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته ی اقتصاد گرایش محض

بررسی اثرات سیاستهای مالی بر توزیع درآمد و رشد اقتصادی در ایران



۱۳۸۸ / ۱ / ۲۴

استاد راهنما:

دکتر علی فلاحتی

استاد مشاور :

دکتر مجتبی الماسی

نگارش:

فاطمه آقایی

آذرماه ۱۳۸۷

۱۰۹۲۸۷

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و
نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه
متعلق به دانشگاه رازی است.



دانشگاه رازی

دانشکده علوم اجتماعی

گروه اقتصاد

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته ی اقتصاد گرایش محض

نام دانشجو فاطمه آقایی

تحت عنوان

بررسی اثرات سیاستهای مالی بر توزیع درآمد و رشد اقتصادی در ایران

۳۸۸ / ۱ / ۳۱۵۱

به تصویب نهایی رسید.

در تاریخ ۸۷/۹/۵ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه علمی

امضاء
 امضاء
 امضاء
 امضاء

- ۱- استاد راهنما: دکتر علی فلاحتی با مرتبه ی علمی استادیار
- ۲- استاد مشاور: دکتر مجتبی الماسی با مرتبه ی علمی استادیار
- ۳- استاد داور داخل گروه : دکتر کیومرث سهیلی با مرتبه ی علمی استادیار
- ۴- استاد داور خارج از گروه : دکتر محمد مولایی با مرتبه ی علمی استادیار

در اینجا جا دارد که از آقای دکتر فلاحتی که استاد راهنمای من بوده و در طول تدوین این پایان نامه مرا همراهی نموده
تشکر و سپاسگذاری نمایم.
همچنین از آقای دکتر الماسی که استاد مشاور بنده در این پایان نامه بوده اند، کمال تشکر و قدردانی را دارم.

تقدیم به مادر دلسوز و
همسر مهربانم

چکیده

در چند دهه اخیر بحث‌هایی در باره نقش دولت در اقتصاد مورد توجه بوده است. شاید از مهمترین وظایف دولتها نقش توزیعی و رسیدن به رشد اقتصادی باشد. در این پایان نامه سعی می شود به چگونگی این نقش در قالب سیاست های مالی و ابزارهای مهمی که جهت اجرای این سیاست در اختیار دولت است، از جمله پرداختهای انتقالی و مالیات ها مورد بحث قرار دهیم که برای این منظور از دو متغیر یارانه و مالیات های کل استفاده شده و از ضریب جینی برای سنجش و اندازه گیری نابرابری استفاده شده است. هدف ما یافتن اثرات سیاست های مالی و تعیین جهت و اندازه این سیاست ها بر توزیع درآمد و رشد اقتصادی در کشور است تا سیاست گذاران و دولتمردان با استفاده از این نتایج بتوانند در جهت عدالت اجتماعی و شکوفایی رشد اقتصادی گام بردارند.

روش کار به صورت توصیفی و استفاده از روشهای اقتصاد سنجی است. مدل استفاده شده از روش معادلات همزمان به بررسی اثرات سیاست های مالی (مالیات و یارانه ها) بر توزیع درآمد و رشد اقتصادی با استفاده از آمارهای متغیر های سری زمانی، می باشد

در آخر نتیجه این است که سیاست های مالی در کشور (افزایش مالیات و یارانه) باعث بهبود توزیع درآمد و کاهش رشد اقتصادی شده و افزایش درآمدهای نفتی و تولید ناخالص داخلی، برابری توزیع درآمد و بهبود رشد اقتصادی را به ارمغان آورده و نرخ رشد جمعیت نقش منفی در رشد اقتصادی داشته است.

لغات کلیدی: سیاست های مالی، مالیات، رشد اقتصادی، پرداختهای انتقالی، توزیع درآمد.

فهرست مطالب

عنوان صفحه

فصل اول: کلیات تحقیق

۱-۱) مقدمه	۲
۲-۱) شرح و بیان مسأله	۵
۳-۱) فرضیه های تحقیق	۷
۴-۱) اهمیت و ضرورت انجام تحقیق	۷
۵-۱) اهداف تحقیق	۸
۶-۱) روش انجام تحقیق	۸
۷-۱) روش و ابزار گردآوری اطلاعات	۸
۸-۱) روش تجزیه و تحلیل اطلاعات	۹
۹-۱) جامعه آماری تحقیق	۹
۱۰-۱) محدودیت های تحقیق	۹

فصل دوم: مبانی نظری و پیشینه تحقیق

۱-۲) مقدمه	۱۱
۲-۲) سیاست مالی	۱۳
۱-۲-۲) بررسی سیاست های مالی	۱۴
۲-۲-۲) سیاست مالی در چهارچوب منحنیهای IS, LM	۱۴
۳-۲-۲) نقش سیاست مالی در اقتصاد	۱۷
۴-۲-۲) رابطه سیاست مالی با متغیرهای کلان اقتصادی	۱۸
۳-۲) یارانه	۲۲
۱-۳-۲) انواع یارانه	۲۲
۲-۳-۲) انواع یارانه و کمکهای بلا عوض در ایران	۲۳
۳-۳-۲) اثرات توزیعی یارانه ها	۲۴
۴-۳-۲) اثرات مصرفی و بودجه ای یارانه ها	۲۴
۵-۳-۲) اثرات تکنولوژیکی یارانه ها	۲۵
۶-۳-۲) اثرات اخلاقی یارانه ها	۲۵
۷-۳-۲) روند یارانه طی سالهای مختلف ۱۳۵۲-۱۳۸۴	۲۶
۴-۲) مالیات	۲۸
۱-۴-۲) بررسی اقلام مالیاتی در ایران	۲۸
۲-۴-۲) روند مالیات طی سالهای مختلف ۱۳۵۲-۱۳۸۴	۳۰
۵-۲) مخارج دولت	۳۱

- ۳۲..... ۶-۲) توزیع درآمد.....
- ۳۲..... ۱-۶-۲) مفهوم درآمد.....
- ۳۳..... ۲-۶-۲) مفهوم توزیع درآمد.....
- ۳۳..... ۱-۲-۶-۲) توزیع تبعی درآمد.....
- ۳۴..... ۲-۲-۶-۲) توزیع مقداری درآمد.....
- ۳۵..... ۳-۶-۳) مشکلات و محدودیتهای اندازه گیری توزیع درآمد.....
- ۳۵..... ۴-۶-۲) چگونگی اندازه گیری توزیع درآمد.....
- ۳۶..... ۵-۶-۲) شاخص های نابرابری درآمد.....
- ۴۰..... ۶-۶-۲) عوامل مؤثر بر توزیع درآمد.....
- ۴۲..... ۷-۶-۲) سیاست تعدیل و توزیع درآمد.....
- ۴۳..... ۸-۶-۲) تئوری های کلاسیک توزیع درآمد.....
- ۴۳..... ۱-۸-۶-۲) تئوری اسمیت.....
- ۴۳..... ۲-۸-۶-۲) تئوری باستیا.....
- ۴۴..... ۳-۸-۶-۲) تئوری مالتوس.....
- ۴۴..... ۴-۸-۶-۲) تئوری استوارت.....
- ۴۵..... ۹-۶-۲) تئوری های نئوکلاسیک توزیع درآمد.....
- ۴۵..... ۱-۹-۶-۲) تئوری توزیع درآمد مارشال.....
- ۴۵..... ۲-۹-۶-۲) تئوری توزیع درآمد پارتو.....
- ۴۶..... ۱۰-۶-۲) انتخاب سیاست های مناسب توزیع درآمد.....
- ۴۷..... ۱۱-۶-۲) روند توزیع درآمد در ایران طی سالهای مختلف ۱۳۵۲-۱۳۸۴.....
- ۵۰..... ۷-۲) مفهوم عدالت اجتماعی.....
- ۵۰..... ۱-۷-۲) نظام توزیع عادلانه ثروت و درآمد.....
- ۵۰..... ۸-۲) رشد اقتصادی.....
- ۵۰..... ۱-۸-۲) بررسی ارتباط بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد.....
- ۵۲..... ۲-۸-۲) ارتباط رشد اقتصادی و توزیع درآمد.....
- ۵۵..... ۹-۲) نظریه های رشد اقتصادی.....
- ۵۵..... ۱-۹-۲) نظریه رشد اقتصادی آدام اسمیت.....
- ۵۶..... ۲-۹-۲) نظریه رشد اقتصادی ریکاردو.....
- ۵۷..... ۳-۹-۲) نظریه رشد اقتصادی مالتوس.....
- ۵۸..... ۴-۹-۲) نظریه رشد اقتصادی جان استوارت میل.....
- ۵۹..... ۵-۹-۲) نظریه رشد اقتصادی مارشال.....
- ۶۰..... ۶-۹-۲) تئوری رشد اقتصادی فردریک لیست.....
- ۶۱..... ۷-۹-۲) تئوری رشد اقتصادی کینز.....
- ۶۲..... ۱۰-۲) مطالعات انجام شده.....
- ۶۲..... ۱-۱۰-۲) مطالعات تجربی در ایران.....
- ۶۶..... ۲-۱۰-۲) مطالعات تجربی در خارج از کشور.....

فصل سوم: روش شناسی تحقیق

۶۹	۱-۳) مقدمه.....
۶۹	۲-۳) داده های سری های زمانی.....
۷۰	۱-۲-۳) فرایند تصادفی ساکن (ایستا یا مانا).....
۷۰	۲-۲-۳) آزمون همبسته نگار.....
۷۱	۳-۲-۳) آزمون ریشه واحد برای پایایی.....
۷۱	۱-۳-۲-۳) آزمون دیکی فولر (DF).....
۷۳	۲-۳-۲-۳) آزمون دیکی- فولر تعمیم یافته (ADF).....
۷۴	۳-۳-۲-۳) آزمون فلیپس- پرون.....
۷۴	۳-۳) رگرسیون ساختگی (جعلی).....
۷۵	۴-۳) همگرایی (هم انباشتگی).....
۷۵	۱-۴-۳) آزمون انگل-گرنجر (EG) و آزمون انگل-گرنجر تعمیم یافته (AEG).....
۷۶	۲-۴-۳) آزمون رگرسیون هم انباشته: آزمون دوربین- واتسون (CRDW).....
۷۶	۵-۳) هم انباشتگی و مکانیزم تصحیح خطا ECM.....
۷۷	۱-۵-۳) روش خود توضیح برداری با وقفه های گسترده (ARDL).....
۷۹	۶-۳) الگوی خود توضیح برداری (VAR).....
۸۰	۷-۳) الگوی تصحیح خطای برداری.....
۸۱	۸-۳) تعیین تعداد وقفه های مناسب الگو.....
۸۲	۹-۳) معادلات همزمان.....

فصل چهارم تخمین و یافته های مدل

۸۶	۱-۴) مقدمه.....
۸۶	۲-۴) مدل تجربی.....
۸۷	۳-۴) آزمون پایایی یا آزمون ریشه واحد.....
۸۹	۴-۴) تخمین مدل.....
۹۵	۵-۴) تحلیل نتایج تخمین مدل.....

فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادات

۹۸	۱-۵) مقدمه.....
۹۸	۲-۵) نتیجه گیری.....
۹۹	۳-۵) ارائه پیشنهادات و راهکارها.....
۱۰۲	ضمیمه.....
۱۲۳	منابع.....
۱۲۶	چکیده انگلیسی.....

فهرست جداول و نمودارها

عنوان.....	صفحه.....
نمودار (۱-۲) منحنی IS,LM.....	۱۵.....
نمودار (۲-۲) منحنی IS,LM.....	۱۵.....
نمودار (۳-۲) منحنی IS,LM.....	۱۷.....
نمودار (۴-۲) مالیات منفی بر درآمد.....	۲۱.....
نمودار (۵-۲) روند یارانه ها.....	۲۸.....
نمودار (۶-۲) روند نرخ مالیات.....	۳۱.....
نمودار (۷-۲) توزیع تبعی درآمد.....	۳۴.....
نمودار (۸-۲) منحنی لورنز.....	۳۶.....
نمودار (۹-۲) روند ضریب جینی.....	۴۹.....
جدول (۱-۴) نتایج آزمون ADF در سطح داده ها.....	۸۸.....
جدول (۲-۴) نتایج آزمون ADF با تفاضل مرتبه اول.....	۸۸.....
جدول (۳-۴) آزمون انگل- گرنجر (پایایی پسماند ها).....	۸۹.....
جدول (۴-۴) ضرایب و t-Statistic متغیرهای مستقل.....	۸۹.....
جدول (۵-۴) ضرایب و t-Statistic متغیرهای مستقل.....	۹۰.....
جدول (۶-۴) ضرایب و t-Statistic متغیرهای مستقل.....	۹۰.....
جدول (۷-۴) ضرایب و t-Statistic متغیرهای مستقل.....	۹۱.....
جدول (۸-۴) ضرایب و t-Statistic متغیرهای مستقل.....	۹۲.....
جدول (۹-۴) ضرایب و t-Statistic متغیرهای مستقل.....	۹۲.....
جدول (۱۰-۴) ضرایب و t-Statistic متغیرهای مستقل.....	۹۳.....
جدول (۱۱-۴) ضرایب و t-Statistic متغیرهای مستقل.....	۹۴.....
جدول (۱۲-۴) ضرایب و t-Statistic متغیرهای مستقل.....	۹۴.....

فصل اول

کلیات تحقیق

۱-۱- مقدمه

در چند دهه اخیر جوامع مختلف شاهد تحولات بسیاری در زمینه های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بوده اند که بر اثر گسترش روز افزون آنها، فعالیت دولت را امری اجتناب ناپذیر کرده است. امروزه جایگاه دولت در زندگی اجتماعی و اقتصادی ملل از اهمیت خاص برخوردار است و با وجود دیدگاههای مختلف در زمینه حدود و نوع این وظایف نقش دولت در اقتصاد کشورها بر هیچ کس پوشیده نیست.

در طی چند سال گذشته، بحث های جدی در مورد نقش دولت در اقتصاد وجود داشته است. دانشمندان علوم اقتصادی و سیاسی معمولاً نقش دولت را با سهم مخارج عمومی و یا درآمدهای مالیاتی در درآمدهای ملی مرتبط می دانند. به این ترتیب که هر چه سطح درآمدهای مالیاتی و مخارج عمومی بیشتر باشد به همان نسبت فرض می شود که نقش دولت در اقتصاد بیشتر است.

یکی از مهمترین سیاستهای تعدیل، سیاست مالی است. سیاست مالی یعنی تغییر آگهانه در اندازه، ترکیب و زمانبندی مخارج و درآمدهای مالیاتی دولت. در اقتصاد بخش عمومی مخارج دولت به سه گروه جاری (مصرفی)، سرمایه گذاری و انتقالی تقسیم می شود.

یکی از مهمترین وظایف دولت نقش توزیعی می باشد. توزیع مجدد منوط به حضور دولت است. امروزه اهمیت نقش دولت در مسئله توزیع درآمد به حدی است که تمامی اقتصاددانان یکی از وظایف عمده دولت را نقش توزیعی ذکر می کنند.

سیاستهای تعدیل می تواند بر توزیع درآمد اثر بگذارد و این توزیع را برابرتر یا نابرابرتر کند و این به آن علت است که کشورهای در حال توسعه شرایط متفاوتی دارند.

از ابتدای قرن بیستم تا اواسط آن توجه بیشتر اقتصاددانان کشورهای جهان به افزایش نرخ رشد اقتصادی معطوف بوده است، ولی از نیمه دوم به بعد به ویژه از دهه ۱۹۷۰ با ملاحظه شکاف درآمدی میان فقرا و ثروتمندان و همچنین تحول در آگاهی عمومی به افزایش کیفیت زندگی تأکید شده است.

این موضوع ابتدا در کشورهای ثروتمند با تغییر در قوانین کار به نفع کارگران و ارائه خدمات رفاهی قابل توجه به نیروی کار، افزایش مالیات از صاحبان سرمایه واقشار ثروتمند و ارائه انواع بیمه های تأمین اجتماعی برای افراد کم درآمد همراه شد، از این نقطه نظر ایجاد تحول در الگوی توزیع درآمد به صورت یکی از اهداف دولت، در سیاستگذاری اقتصادی درآمده است. در جهان کنونی ضرورت توزیع درآمد به حدی

است که حتی نظام سرمایه داری غربی که معتقد به عملکرد کامل مکانیسم بازار هستند، هنگام مواجهه با مسئله توزیع درآمد که دست نامرئی قادر به حل آن نیست، اهمیت نقش دولت را در امور اقتصادی مورد تأکید قرار می دهند.

در این راه نظریه توزیع مجدد درآمد به عنوان راهی برای تعدیل توزیع اولیه درآمدها و از بین بردن فاصله طبقاتی مطرح است. نابرابری درآمد ملی، مشکلات زیادی از جمله مشکلات اقتصادی و اجتماعی را به وجود می آورد. سیاست‌های مالی دولت مطمئناً می‌تواند در کاهش نابرابری درآمد بین ثروتمندان و فقیران سهم قابل توجهی داشته باشد. به عبارت دیگر، دولت می‌تواند به نحوی توزیع مجدد درآمدها را تنظیم کند که باعث تعدیل درآمد فقرا و درآمد ثروتمندان شود و فاصله طبقاتی بین گروه‌های مختلف را کاهش دهد. از نقطه نظر رفاه اجتماعی هر چه توزیع درآمد برابرتر باشد، عدالت اجتماعی رعایت شده است.

باید گفت که نابرابری توزیع درآمد کشورها، ریشه در تاریخ کشورها دارد و رفع این نابرابری به سیاستگذاری کلان مالی نیاز دارد. توزیع درآمد دارای اهداف اقتصادی و سیاسی بسیار مهم برای دولت‌ها است. لیکن هدف سیاسی آن بیشتر از هدف اقتصادی در جهان نمود دارد و یک موضوع قابل توجه برای هر حکومتی به شمار می آید.

سیاستگذاران کشورهای در حال توسعه رشد اقتصادی را در اولویتهای برنامه‌های توسعه ای خود قرار داده اند تا از این رهگذر اشتغال و تولید خود را افزایش دهند و بیکاری را از میان ببرند. برای تأمین این هدف به زمینه‌های جلب سرمایه گذاری بخش خصوصی و دولتی توجه ویژه ای دارند. با توجه به رشد جمعیت در کشورهای در حال توسعه درآمد سالیانه این کشورها دچار رکود شده و پس انداز داخلی آنها در حد پایینی باقی مانده و سرمایه گذاری بیشتر را دچار محدودیت کرده است.

رابطه رشد اقتصادی و توزیع درآمد یکی از موضوعات مهم اقتصادی است که توجه اقتصاددانان به ویژه توسعه را به خود جلب کرده و راجع به آن نظرات گوناگونی ابراز شده است؛ گروهی با اعتقاد به وجود تضاد و ناسازگاری بین توزیع عادلانه درآمد و رشد اقتصادی، توزیع بسیار نابرابر درآمد را در مراحل اولیه رشد هر کشور لازم و ضروری می‌شمارند، زیرا با توزیع نامتعادل درآمد، ثروتمندان جامعه که میل به پس انداز بالاتری نسبت به دیگر گروههای جامعه دارند و به پس انداز و انباشت هر چه بیشتر سرمایه پرداخته و با انجام سرمایه گذاریهای جدید، رشد سریعتر را حمایت می‌کنند. در مقابل مخالفان این نظریه تعمیم این رفتار به ثروتمندان کشورهای در حال توسعه را نادرست می‌دانند و معتقدند افزایش نابرابری نه تنها در ایجاد پس انداز و انباشت سرمایه مؤثر نمی‌افتد، بلکه از طریق کاهش بهره‌وری نیروی کار و نیز کاهش تقاضا برای محصولات داخلی، مانعی بر سر راه رشد نیز محسوب می‌شود.

بحث پیرامون توزیع درآمد و رشد اقتصادی و هم‌چنین تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر آن را در ادبیات توسعه اقتصادی می‌توان با بررسی نظریه‌های کوزنتس (۱۹۵۵) آغاز کرد. طبق این نظریه نابرابری درآمدی طی اولین مراحل رشد اقتصادی رو به افزایش می‌گذارد و سپس هم‌تراز شده و بالأخره طی مراحل بعدی

کاهش می‌یابد. این مسئله بعدها از سوی بسیاری از محققان تأیید یا رد شد. امر توزیع درآمد و جهت‌گیری اقتصادی به‌منظور تقسیم عادلانه امکانات بین اقشار مختلف جامعه از جمله مواردی است که دستیابی به آن مستلزم استفاده صحیح از ابزارهای اقتصادی است که از جمله مهم‌ترین این ابزارها می‌توان از سیاست‌های مالی نام برد. یکی از اهداف اقتصادی دولت توزیع درآمد است که با استفاده از همین ابزار مالی که در اختیار دارد، می‌تواند آن وظیفه اقتصادی را انجام دهد.

مطالعه کوزنتس^۱ (۱۹۵۵) تأکید و اثبات او درباره وجود نوعی کارایی رشد اقتصادی در توسعه و ترویج توزیع درآمد، ظهور نشریات پژوهشی بسیار گسترده‌ای را در پی داشت [۴۳].

مطالعات بعدی توسط اهلوالیا^۲ (۱۹۷۶)، سایش^۳ (۱۹۸۳)، پاپانک و کین^۴ (۱۹۸۶)، رام^۵ (۱۹۸۸)، آناند و کانبور^۶ (۱۹۹۳)، کامپانور و سالواتوره^۷ و دینینجر و اسکونایر^۸ (۱۹۹۸) سعی در مشخص کردن این مسئله داشتند که آیا رابطه‌ای متقابل میان رشد اقتصادی و عدم توازن وجود دارد؟ [۴۲].

نتایج این تحقیقات و مطالعات تنها به طور محدودی فرضیه کوزنتس را تأیید کردند. در مطالعات اخیر نیز بر بحث توزیع درآمد و بازخور اجتماعی آن بر رشد اقتصادی تأکید شده است. برای مثال السینا و رودریک^۹ (۱۹۹۴) پس از آزمون اثر توزیع درآمد بر رشد اقتصادی با استفاده از یک مدل رشد درون‌زا در دوره‌های ۱۹۸۵-۱۹۶۰ و ۱۹۸۵-۱۹۷۰ برای ۷۰ کشور مشاهده کردند که نابرابری توزیع درآمد ارتباط منفی با رشد اقتصادی دارد [۳۵].

السینا و پروتی^{۱۰} (۱۹۹۶) نیز در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که افزایش نابرابری، بی‌ثباتی سیاسی - اجتماعی را در پی خواهد داشت که این مسئله از طریق ایجاد نااطمینانی در فضای سیاسی - اقتصادی، سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد [۳۶].

پرسون و تابلینی^{۱۱} (۱۹۹۴) نیز فرض عدم توازن درآمد و تأثیر منفی آن بر رشد اقتصادی را پذیرفتند [۴۷]. برخی دیگر از مطالعات مربوط به توزیع درآمد سعی در بررسی رابطه متغیرهای اقتصاد کلان بر توزیع درآمد داشتند و اثر هر یک از متغیرهای کلان اقتصادی را بر توزیع درآمد نشان دادند.

برای نمونه سارل^{۱۲} (۱۹۹۷) با استفاده از داده‌های مقطعی ۵۲ کشور تأثیر متغیرهای اقتصاد کلان را بر توزیع درآمد بررسی کرد. ضریب جینی شاخص توزیع درآمد در این مطالعه بود و در نهایت نتیجه‌ای که از

1- Kuznets

2- Ahluwalia

3- Saith

4- Papanek and kyn

5- Ram

6- Anand and kanbur

7- Campanoand and Salvatore

8- Deininger and squire

9- Alesina and Rodrik

10- Alesina and perotti

11- Persson and Tabellini

12- Sarel

این مطالعه حاصل شد این بود که متغیرهای لگاریتم درآمد سرانه، نرخ رشد درآمد واقعی سرانه، اثر خالص تغییر در رابطه مبادله تجاری، نسبت سرمایه گذاری به کل جذب داخلی (که از مجموع مصرف خصوصی، مصرف عمومی و سرمایه گذاری به دست می آید) همگی بر توزیع درآمد اثر منفی و تغییر در نرخ ارز واقعی، درصد جمعیت فعال، تغییرات سالانه جمعیت فعال تأثیر مثبت بر توزیع درآمد دارند [۴۲].

۱-۲- شرح و بیان مسئله

سیاستهای تعدیل از جمله سیاست مالی نقش بسیار مهمی در تثبیت اقتصادی کشور دارد. از جمله از سیاست های مالی می توان به نقش مالیاتها که یکی از مهمترین و مناسبترین درآمدهای بخش دولتی می باشد اشاره کرد. شاید از مالیات ها به عنوان مهمترین ابزار اقتصادی دولت ها بتوان نام برد. مالیاتها می توانند بر بازارها، پس انداز، سرمایه گذاری، عرضه نیروی کار، ارث و به طور کلی به صورت عمیقی در تخصیص منابع و توزیع درآمد اثر گذار باشند.

یارانه ها، پرداختهای یک طرفه از سوی دولتها برای حمایت از اقشار آسیب پذیر جامعه است که یکی از اثرات آن را می توان بهبود توزیع درآمد و از بین بردن شکاف درآمدی دانست.

یارانه ها و مالیات ها از ابزار های بسیار مهم دخالت دولت ها در بازار هستند و با تغییرات آنها و تأثیر گذاشتن بر قیمت های نسبی اقلام، در تخصیص منابع دخالت می کنند؛ به طوری که با اتخاذ مالیات ها، میزان قیمت های نسبی کالاها را افزایش و با یارانه ها قیمت های نسبی اقلام یارانه ای را کاهش می دهند. در حالت کلی، برنامه یارانه ها به ثبات قیمت کالاهای ضروری به منظور کاهش فقر از طریق تهیه مواد غذایی ارزان، افزایش رفاه جامعه و ایجاد ثبات سیاسی و اجتماعی کمک می کند. به علاوه، این برنامه در بخش تولید اهداف غیرمستقیمی دارد؛ از جمله بهبود در اشتغال، رشد و رقابت پذیری در سطح بین المللی از طریق کاهش دستمزد، تشویق سیاست جایگزینی واردات و تشویق صادرات با حمایت از تولید کنندگان داخلی.

در ادبیات اقتصادی رابطه میان توزیع درآمد و رشد و توسعه اقتصادی از دو جنبه مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفته است:

۱- تأثیر تغییرات ساختار تولید متأثر از رشد اقتصادی بر توزیع درآمد

۲- تأثیر متقابل توزیع درآمد متأثر از تغییر ساختار تولید بر رشد اقتصادی از طریق رفتار مصرفی و پس انداز جامعه.

اولین جنبه مربوط است به ارزیابی اثر رشد اقتصادی بر رفاه اجتماعی و مسائل مربوط به گروه های کم درآمد جامعه که ممکن است در رشد اقتصادی کشور سهیم نباشد و یا گروه های پردرآمد که ممکن است قدرت اقتصادی خیلی زیادی به دست آورند. همان طور که می دانیم براساس نظریه کوزنتس در مراحل اولیه رشد اقتصادی، نابرابری در توزیع درآمد به دلیل غیر ماهر بودن نیروی کار و پایین بودن دستمزدها، افزایش

می یابد، ولی به تدریج همراه با رشد اقتصادی کشور نیروی کار تخصص و مهارت لازم را به دست آورده و سطح دستمزدها افزایش خواهد یافت و این خود به خود موجب کاهش نابرابری در درآمد خواهد گردید. براساس نظریه لوئیس در کشورهای در حال توسعه به دلیل بافت سنتی اقتصادی عرضه نیروی کار نامحدود، بهره وری در سطح بسیار پایین و در نتیجه درآمد نیروی کار در سطح حداقل معیشت قرار دارد. بنابراین الگوی توزیع درآمد در این کشورها نیز از تجربه کشورهای توسعه یافته تبعیت می کند، به طوری که در سالهای اولیه رشد اقتصادی، سهم درآمد ملی نسبت به سهم سود بسیار پایین تر بوده و تمرکز سرمایه عمدتاً در بخش مدرن اقتصادی صورت خواهد گرفت و بدین طریق بخش مدرن اقتصادی که عمدتاً در دست سرمایه داران است با سرعت بیشتری نسبت به بخش سنتی رشد کرده و سهم نسبی سود در درآمد ملی افزایش خواهد یافت و در نتیجه این مسئله سبب نابرابرتر شدن توزیع درآمد خواهد شد. لیکن در دراز مدت، زمانی که در بخش مدرن اقتصادی فرصتهای شغلی افزایش یابد، بخش سنتی نیز توسعه یافته و بهره وری نیروی کار در این بخش افزایش خواهد یافت و در نتیجه توزیع درآمد به طور خودکار تعدیل شده و عادلانه می شود [۲۷].

دومین جنبه توزیع درآمد را به عنوان عاملی از عوامل رشد اقتصادی می دانند که به عنوان اساس تقاضای مؤثر از طریق جریان درآمدی ایجاد شده برای خانوارها از سیستم تولید که منبع اصلی پس انداز و سرمایه گذاری است و مشارکت جامعه در پروسه تولیدات را تضمین می نماید. در بررسی این جنبه اغلب تئوری های رشد اقتصادی، تمرکز سرمایه را عامل اصلی رشد اقتصادی می دانند و از آنجا که منبع اصلی سرمایه، پس انداز است که تابعی از میل نهایی به پس انداز گروههای درآمدی است، معتقدند که در میان گروههای درآمدی، میل نهایی به پس انداز گروههای درآمدی پایین، بسیار کم یا صفر است؛ در حالی که میل نهایی به پس انداز در گروههای درآمدی بالا، بسیار بالا و این پس اندازها در نهایت تبدیل به سرمایه گذاری می شوند و بنابراین نتیجه می گیرند که شرط لازم برای رشد اقتصادی بر توزیع نابرابر درآمدها است. مطالعات تجربی در مورد کشورهای در حال توسعه نتایج گوناگونی را به دست داده است. اهلوالیاء در بررسی های خود به این نتیجه رسید که هیچ الگوی قوی در ارتباط میان تغییرات توزیع درآمد و نرخ رشد تولید ناخالص ملی وجود ندارد و در میان کشورهای دارای نرخ رشد بالا و نرخ رشد پایین، برخی بهبود و برخی بدتر شدن نسبی برابری نسبت را در توزیع درآمد تجربه کرده اند. همچنین بر اساس این فرضیه که هرچه نابرابری در موقعیت اولیه توزیع بیشتر باشد، نرخ رشد بالاتر است. در مطالعه ای که فیلدز برای تعدادی از کشورهای در حال توسعه انجام داده است، نشان داده است که هیچ رابطه آماری قوی میان نابرابری درآمد در موقعیت اولیه توزیع و نرخ رشد اقتصادی وجود ندارد [۲۷].

حال در این پژوهش قصد داریم ارتباط سه مقوله فوق، سیاستهای مالی که شامل پرداختهای انتقالی و مالیات ها می باشد، را بر توزیع درآمد و رشد اقتصادی ایران ارزیابی کنیم.

۱-۳-۳- فرضیه های تحقیق

۱-۳-۱- اجرای سیاست مالی (از طریق افزایش مالیات و افزایش پرداختهای انتقالی) توزیع درآمد در ایران را بهبود می بخشد.

۱-۳-۲- اجرای سیاست مالی (افزایش مالیات و افزایش پرداختهای انتقالی) موجب کاهش رشد اقتصادی در ایران می شود.

۱-۳-۳- نابرابری توزیع درآمد موجب رشد اقتصادی در ایران می شود.

۱-۴- اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

یکی از منابع مهم درآمدی آینده، مالیات است. مالیات علاوه بر تأمین مالی مورد نیاز دولت باعث کنترل نقدینگی و توزیع عادلانه تر درآمد و ثروت می گردد. در کشورهای در حال توسعه مثل ایران درآمدهای مالیاتی پس از درآمدهای نفتی از اهمیت خاصی برخوردارند. از طرف دیگر ترکیب درآمدهای مالیاتی به علت عوامل اقتصادی و فرهنگی و تاریخی از یک کشور به کشور دیگر متفاوت است، هر چند براساس تحقیقات به عمل آمده، کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای صنعتی در امر وصول مالیات از تزلزل بیشتری برخوردارند. مسلماً در وصول مالیاتها در کشورهای در حال توسعه باید نکات مهمی را در نظر گرفت. سهم هر فرد در پرداخت مالیات باید متناسب با درآمد و یا ثروت وی باشد. افرادی که درآمد بیشتری کسب می کنند نشانه آن است که آنها از امکانات موجود جامعه بیشتر استفاده می کنند، در نتیجه باید برای تأمین امور مالی جامعه نیز سهم بیشتری را پرداخت کنند. در این صورت عدالت اجتماعی که یکی از اهداف بارز و مورد تأکید نظام اسلامی است، نیز تحقق خواهد یافت.

در کشور ما سیاست های معطوف به هدف رشد اقتصادی به موفقیتی در کاهش فقر دست نیافته اند، بلکه موجب تعمیق و گسترش آن نیز در جامعه گردیده اند. از اینرو می توان به طور کلی این گونه نتیجه گیری نمود که: برای بهبود وضعیت رفاهی جامعه دست یابی به رشد اقتصادی بالاتر و کارا تر نمودن سیاستهای ناظر بر هدف رشد اقتصادی، اجرای سیاست های فقر زدایی معطوف به توزیع مجدد درآمد و ثروت ضرورتی انکار ناپذیر می باشد.

با توجه به اینکه یکی از دغدغه های سیاستگذاران هر کشوری، فقرزدایی و ایجاد عدالت در کنار رشد و شکوفائی اقتصادی است و همچنین یکی از عوامل فقرزدایی، سیاستهای مالی و توزیع عادلانه درآمد است که با رشد اقتصادی رابطه مستقیم دارد، لذا مطالعه در این زمینه می تواند بستری مناسب در پیشبرد اهداف اقتصادی دولت باشد.

۱-۵- اهداف تحقیق

یافتن اثرات سیاستهای مالی بر روی توزیع درآمد و رشد اقتصادی در ایران و تعیین جهت و اندازه این سیاستها بر روی توزیع درآمد و رشد اقتصادی در ایران، که سیاست گذاران اقتصادی و دولتمردان با استفاده از این نتایج بتوانند در جهت برقراری عدالت اجتماعی و رشد اقتصادی گام بردارند. به طور کلی اهداف تحقیق عبارتند از:

۱-۵-۱- بررسی اثرات سیاستهای مالی (مالیاتها و پرداختهای انتقالی) بر توزیع درآمد

۱-۵-۲- بررسی اثرات سیاستهای مالی (مالیاتها و پرداختهای انتقالی) بر رشد اقتصادی

۱-۵-۳- بررسی اثرات توزیع درآمد بر رشد اقتصادی

۱-۵-۴- ارائه راهکارهایی برای افزایش رشد اقتصادی و بهبود توزیع درآمد

۱-۶- روش انجام تحقیق

روش انجام این تحقیق تحلیلی - توصیفی است. به این ترتیب که ابتدا مباحث تئوریک و مطالعات تجربی تحقیق به روش کتابخانه ای جمع آوری شده و سپس با در نظر گرفتن ملاحظات و شرایط اقتصاد ایران، مدل و الگوی تحلیلی مناسب انتخاب شده است. در مرحله بعدی، با استفاده از داده های جمع آوری شده و به روشهای مناسب اقتصاد سنجی به تخمین و شبیه سازی الگوهای مورد نظر تحقیق پرداخته شده است.

۱-۷- روش و ابزار گردآوری اطلاعات

برای جمع آوری اطلاعات لازم درخصوص مباحث نظری و پیشینه مطالعات تجربی از روش اسنادی (کتابخانه ای و اینترنت) استفاده شده است. کلیه آمار و اطلاعات متغیرهای سری زمانی مورد استفاده در تحقیق (تولید ناخالص داخلی، نرخ مالیات، ضریب جینی، یارانه ها، نرخ رشد و غیره) از اسناد رسمی منتشر شده توسط بانک مرکزی و مرکز آمار ایران و سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولید کنندگان جمع آوری شده است.

۸-۱- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

از نرم افزار Excel برای دسته بندی و محاسبات آمار توصیفی استفاده شده و از نرم افزار Eviews برای تحلیل‌های اقتصادسنجی استفاده شده است.

۹-۱- جامعه آماری تحقیق

جامعه آماری این تحقیق کلیه متغیرهای سری زمانی سالانه به کار برده شده برای اقتصاد ایران طی سالهای ۱۳۸۴-۱۳۵۲ می باشد.

۱۰-۱- محدودیتهای تحقیق :

در انجام این تحقیق مانند بسیاری از تحقیقات دیگر محدودیتهایی وجود دارد که ممکن است به محقق اجازه تحقیق جامعی را ندهد که این محدودیتها عبارتند از:

۱- در محاسبات GNP بعضی از تولیدات و درآمدها که تعداد آنها کم هم نیست، به حساب نمی آیند و این موجب دوگانگی بین آمارها و داده ها می شود. یکی از این تولیدات که محاسبه نمی شود تولیدات کالایی است که جنبه خود مصرفی دارند.

۲- محدودیت داده ها و اطلاعات آماری است که در کتابخانه ها داده ها و اطلاعات آماری به وفور یافت نمی شود. از طرف دیگر با توجه به وضع مالیات بر درآمد ممکن است که اطلاعات کاملی از درآمد در اختیار ارگانها و سازمان های مرتبط با مالیات قرار نگیرد.